



# حق الله و حق الناس

دکتر علی نقی منزوی

مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۷۱، شماره ۶، بهار ۱۳۵۹، مارس

۱۳۷۹، جمادی یکم ۱۳۹۷، سال شانزدهم، برگه ۱۷ - ۱۹

به کوشش

محمد ابراهیم ذاکر

---

۱.....	حق الله و حق الناس.....
۱.....	قلندران عرصه شطرنج.....
۱.....	حق الله.....
۲.....	دوره های قانون گذاری.....
۴.....	احکام اربعه.....
۴.....	جهاد.....
۴.....	قضا و حدود.....
۴.....	نمازهای سیاسی.....
۷.....	کتاب نامه.....
۷.....	نمایه کتاب و مقاله.....

## حق الله و حق الناس

دکتر علی نقی منزوی

مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۷۱، شماره ۶، بهار ۱۳۵۹، مارس ۱۳۷۹، جمادی یکم ۱۳۹۷، سال شانزدهم،

برگه ۱۷ - ۱۹

### قلندران عرصه شطرنج

صورت مذاکرات انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی به تاریخ دوم دی ماه ۱۳۵۸ یکشنبه ۱۳۵۸ / ۱۰ / ۲ جلسه انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی به ریاست جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی و با شرکت آقایان دکتر آریان پور، دکتر استعلامی، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، دکتر باستانی پاریزی، دکتر برکشلی، جلالی نایینی، دکتر فولوند، دکتر مجتبابی، دکتر مشکور، سید محمد محیط طباطبایی، دکتر مقدم، دکتر علی نقی منزوی ساعت پنج و نیم بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۳۵۸ / ۱۰ / ۲ در محل کانون فرهنگی ایران جوان تشکیل شد. جناب آقای دکتر سیاسی رسمیت جلسه را اعلام کردند و آقای دکتر منزوی سخنرانی خود را تحت عنوان «حق الله و حق الناس» آغاز کردند و چنین بیان داشتند:

### حق الله

در اصطلاح فقه «حق الله» عبارت است از مقررات مربوط به روابط انسان با خدا و تخطی از آن با توبه قابل شستشو می باشد و «حق الناس» عبارت است از مقررات مربوط به روابط انسان با انسان های دیگر و تخطی از آن جز با رضای طرفین قابل حل نیست.

اینک آیا مذهب شامل حق الله و حق الناس هر دو می شود یا میدان عمل مذهب تنها حق الله است؟

شک نیست که مذاهب در کنار برقرارکردن عبادت های معینی که حق الله را تشکیل می دهد مردم را به داشتن روابط حسنه و اجرای عدل و انصاف با یکدیگر نیز دعوت می کند و این همانا «حق الناس» است.

ولی برداشت ملت‌های مختلف در ادوار مختلف تاریخ از چگونگی مداخله مذهب در حق الناس مختلف بوده است. می‌توان گفت پیش از انقلاب کبیر فرانسه تمام حکومت‌ها خود را نماینده خدا در کشور می‌دانسته و مقررات و قوانین خود را دستورات خدا تلقی می‌کردند، اما پس از انقلاب کبیر تاکنون از تعداد حکومت‌های مذهبی کاسته شده و بر حکومت‌های لائیک افزوده گشته به طوری که در قرن بیستم تعداد حکومت‌های مذهبی از عدد انگشتان تجاوز نمی‌کند. از نظر تاریخ نیز ملل مختلف از چگونگی مداخله مذهب در حقوق برداشت‌های گوناگون داشته‌اند.

## دوره‌های قانون‌گذاری

برای بررسی برداشت مردم ایران از این مسئله می‌توان تاریخ قانون‌گذاری را در ایران به سه دوره تقسیم نمود:

الف: دوره فرّه ایزدی (قبل از اسلام).

ب: دوران عصمت امام (سه قرن اول اسلام).

ج: دوران ولایت فقیه (از ۲۶۰ هجری، سال غیبت امام زمان تاکنون).

**ابوریحان بیرونی متوفی در ۱۴۴۰ هجری می‌گوید:** هندیان و یونانیان احکام و قوانین را ساخته و پرداخته رایشین‌ها (حکما) می‌شمرند و ایشان آن را با کمک الهام الهی متناسب با احتیاجات جامعه وضع می‌کنند و تغییر می‌دهند و کتب آسمانی ساخته فکر و زبان رایشین‌ها است. از این‌رو، هندیان فسخ قوانین را جایز می‌دانند.<sup>۱</sup>

**عبدالجبار معتزلی همدانی متوفی در ۴۱۵ هجری در شرح الاصول الخمسة، صفحه ۵۷۶ و کراچکی صوری متوفی در ۴۴۹ در کنز الفوائد، صفحه ۱۰۲ می‌گویند:** یهودیان همه قوانین و سنن اجتماعی را الهی می‌شمرند و لذا آن‌ها را ابدی و ازلی و غیر قابل فسخ می‌دانند.

ابن میمون یهودی متوفی در ۶۰۲ هجری نیز همین مطلب را درباره یهود تأیید کرده است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> متن اصلی: ۳۴۰.

<sup>۲</sup> تحقیق ماللهند، ابوریحان محمد فرزند بیرونی (۳۶۳ - ۴۴۰ ق)، برگه ۸۰ - ۸۱.

<sup>۳</sup> دلالة الحائرین، ابن میمون (د: ۶۰۲ ق)، چاپ استانبول، برگه ۴۱۶ - ۴۱۵.

در حکومت ساسانی نیز قانون همیشه در حال تغییر بوده است.

شاه که عالی‌ترین قدرت سیاسی و مذهبی را در دست می‌داشت منشاء قانون‌گذاری بود و چون به قول فارابی در رأس مدینه فاضله قرار داشته خود را عالم‌ترین مردم قالب می‌زد و لذا مدعی ارتباط داشتن با عقل فعال و دارا بودن فره ایزدی بود و دستورات او معصوم از خطا به شمار می‌آمد.

شاه قانون‌گزار بود و حق الله و حق الناس هر دو را او تعیین می‌کرد و در مورد لزوم تغییر می‌داد.

اختلاف میان هندیان و یهودیان بر سر قدم و حدوث قوانین و کتب آسمانی و نیز در باره حق قانون‌گذاری شاهان ساسانی که قبل از اسلام در مجامع علمی و دانشگاه‌های جندی‌شاپور و سورا و نصیبین مورد بحث بود و فقط اندک مدتی به سبب یورش عرب در قرن اول هجری مسکوت مانده بود در قرن دوم هجری دوباره در بغداد مورد بحث قرار گرفت، ولی این بار قرآن کتاب آسمانی رسمی بود نه تورات و اوستا و ودا...، پس حدوث و قدم قرآن مدتی مورد بحث قرار گرفت.

مذهب رسمی سنی، قرآن را قدیم می‌دانست و گنوسیست‌های ایرانی آن را حادث می‌شمردند.

گنوسیست‌های ایران، جانشین پیامبر اسلام را امام می‌نامیدند و به او مانند پیامبر حق وضع قانون و نسخ و تغییر آن را می‌دادند. در صورتی که عرب‌ها و مذهب رسمی سنی ایشان، قوانین را نازل شده بر محمد صلی الله و غیر قابل تفسیر و تکامل می‌شمردند. بحث‌های میان این دو گروه در کتب ابن‌ندیم و ابوحیان توحیدی و مقالات اشعری و فرق بغدادی و جز آن‌ها منعکس است.

در مذهب ما شیعه در فلسفه سیاسی دو دوران غیبت و حضور امام، اختلاف بسیار هست. دوره اتحاد مذهب و سیاست به صورت فره ایزدی و عصمت امام در سال ۲۶۰ق با غیبت امام تمام می‌شود.

سُنیان تا ۱۹۲۳م که خلافت عثمانیان منقرض شد، حق الله و حق الناس را با هم به دست خلیفه می‌دانستند، اما شیعه از زمان غیبت به وسیله شیخ طوسی متوفی در ۴۶۰ق در کتب خود، آن‌ها را از هم جدا کرده‌اند.

## احکام اربعه

ایشان چهار حکم سیاسی اسلام را متوقف بر وجود امام معصوم می‌شمرند: ۱- جهاد؛ ۲- قضا؛ ۳- حدود؛ ۴- نمازهای سیاسی.

### جهاد

۱- جهاد: یعنی اشاعه دین به وسیله شمشیر در مذهب ما منحصر به وقت حضور امام به حق است. اضافه بر تصریح علما از شیخ طوسی تا امروز بدین شرط، اشعری در مقالات خود نیز این عقیده را دلیل بر کفر روافض آورده است.

### قضا و حدود

۲ و ۳- قضا و حدود: در کتب فقه شیعه تصریح شده که قضای مذهبی، جز با حکم امام؛ یا نایب خاص او امکان ندارد و این نه به معنی هرج و مرج است؛ بلکه تمام احکام جزایی باید به وسیله محاکم عرف اجرا گردد و شیعه در زمان غیبت تابع محاکم عرف است.<sup>۱</sup>

### نمازهای سیاسی

۴- نمازهای سیاسی: در هیچ یک از ادوار که حکومت به دست شیعه بود، مانند آل بویه، غازان خان، سربداران، هیچ کدام از این چهار حکم از توقیف بیرون نیامد؛ زیرا که مشروط به حضور امام معصوم است نه حکومت شیعه، ولی در اواخر دوره صفوی این دولت برای دفع تهمت الحاد و تارک الصلوة بودن که از طرف حکومت استانبول بر ایرانیان وارد می‌شد، شیخ عبدالله تبریزی را به ترکیه فرستاد. او که از خلیفه ترک لقب افندی گرفت با سه مجلد خطبه نماز جمعه به وطن برگشت. در دوره صفویه نماز جمعه برقرار شد، اما علمای شیعه به سادگی آن را نپذیرفتند و نام حدود ۱۲۰ رساله که در نفی و اثبات آن در

<sup>۱</sup> قاطعة اللجاج في تحقیق حل الخراج، غلی فرزند حسین فرزند عبدالعالی کرکی، محقق الثانی، محقق کرکی (د: ۹۴۰ق)، چاپ در مجموعه‌ای از کتاب‌ها نام کلمات المحققین، ۱۳۱۵ق؛ دیگر: مؤسسه التشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۳ق.

حق الله و حق الناس

۵

همین تاریخ نوشته شده و در ذریعه، ج ۱۵، ۶۲ - ۸۲ دیده می‌شود و در بیشتر آن‌ها جمعه‌گزاری؛ یا بدعت و حرام است؛ و یا حداکثر مباح شناخته شده است، نه واجب. شیعه، اولوالامر واجب الاطاعه را منحصر در چهارده معصوم می‌دانند و این را تمام مفسران از طبرسی متوفی در ۵۴۸ هجری تا امروز تصریح کرده‌اند. در حال غیبت امام، حق الله با ولایت فقیه حل می‌شد و حق الناس به وسیله «اهل حلّ و عقد»؛ یا ریش سفیدان محل می‌شود. (اهل حلّ و عقد؛ یا ریش سفیدان یگانه مرجع حق الناس به شمار می‌رود و شامل هر گونه حکومت محلی می‌شود، خواه حکومت خلفای جور باشد و خواه حکومت‌های لائیک امروز.

کرکی متوفی در ۹۴۳ق در کتاب قاطعة اللجاج فی حلّ الخراج لزوم حلّ مسائل مربوط به حق الناس را در حکومت جائز، مثل عثمانی بیان می‌کند.

اصل ولایت فقیه از افتخارات مذهب شیعه است و لازمه سطح تمدن عالی است. اخباری که بر ولایت فقیه دلالت دارد، مانند مقبوله عمر بن حنظله بسیار است. این روایت‌ها، ولایت و استقلال فقیه، هر دو را ثابت می‌کنند، یعنی اگر ما فرضاً بیست هزار فقیه مجتهد داریم، بیست هزار واحد مستقل داریم و این استقلال‌ها فقط در حق الله امکان دارد که «الطرق إلى الله بعدد انفس الخلائق»؛ زیرا که در حق الناس اولین شرط کشورداری مرکزیت و اجرا و انعکاس قانون است. تعدد قانون در حق الناس اقتصاد کشور را نابود و امنیت را از میان می‌برد.

در عصر قاجاریه به سبب ضعف حکومت مرکزی برخی از روحانیون در شهرستان‌ها به حق الناس نیز مداخله کردند، ولی پا نگرفت. در زمان فتح‌علی شاه و ناصرالدین شاه کوششی به عمل آمد تا با ایجاد رکن رابع؛ یا مظهر امام دو قدرت سیاسی و مذهبی را توأم سازند، اما مورد قبول مراجع شیعه واقع نشد.

در عصر قاجاریه به سبب ضعف حکومت مرکزی برخی از روحانیون در شهرستان‌ها به حق الناس نیز مداخله کردند، ولی پا نگرفت. در زمان فتح‌علی شاه و ناصرالدین شاه کوششی به عمل آمد تا با ایجاد رکن رابع؛ یا مظهر امام دو قدرت سیاسی و مذهبی را توأم سازند، اما مورد قبول مراجع شیعه واقع نشد.

\*\*\*

حق الله و حق الناس

۶

سخنرانی آقای دکتر منزوی در ساعت هفت و نیم پایان یافت و آقایان محیط طباطبایی و فولادوند نظرهای خود را اعلام داشتند و چون مطالب زیادی برای بحث و گفتگو بود، آقای دکتر اسلامی ندوشن پیشنهاد کردند که بحث در این خصوص در جلسه آینده نیز ادامه یابد. این پیشنهاد مورد تأیید و تصویب قرار گرفت و آقای دکتر سیاسی ضمن قدردانی و سپاسگزاری از آقای منزوی در ساعت هشت و ربع ختم جلسه را اعلام کردند و جلسه بعد به روز یکشنبه ۱۳۵۸/۱۱/۷ موکول گردید.

دکتر علی نقی منزوی



## کتابنامه

## نمایه کتاب و مقاله

- الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، شیخ الطائفة، ابوجعفر محمد فرزند حسن طوسی (د: ۴۶۰ ق / ۱۰۶۸ م)، تحقیق و تصحیح حسن موسوی خراسان، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰ ق.
- الأمتاع و المؤانسة، ابوحيان على وحیدی، قاهره، ۱۹۴۲ م؛ دیگر: به کوشش احمد امین، بیروت. تورات، موسی (ص)، پیامبر یهود.
- تَهْدِیْبُ الْأَحْکَامِ، شیخ الطائفة، ابوجعفر محمد فرزند حسن طوسی (د: ۴۶۰ ق / ۱۰۶۸ م)، تصحیح احمد شیرازی و باقر قوچانی، تهران، ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ خ؛ تصحیح حسن موسوی خراسان، نجف، ۱۳۷۸ - ۱۳۸۲ ق؛ تصحیح محمدجعفر شمس‌الدین، بیروت؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری، اسلامیه، تهران.
- حَقُّ اللَّهِ وَ حَقُّ النَّاسِ، علی‌نقی منزوی، مجله کوه، مونیخ، شماره ردیف ۷۱، شماره ۶، بهار ۱۳۵۹، مارس ۱۳۷۹، جمادی یکم ۱۳۹۷، سال شانزدهم، برگه ۱۷ - ۱۹.
- دلالة الحائرين، ابوعمران موسی فرزند میمون فرزند عبیدالله قرطبی (۱۱۳۵ - ۱۲۰۴ م)، ترجمه مایکل فریدلندر، نیویورک، انتشارات دوور، ویرایش دوم، ۱۹۵۶.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الخامس عشر، صابون - عیون، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳ خ / ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۵ م.
- شرح الاصول الخمسة، عبدالجبار فرزند احمد قاضی معتزلی همدانی (د: ۴۱۵ ق)، تصحیح عبدالکریم عثمان، قاهره، ۱۳۸۴ ق؛ تصحیح سمیر مصطفی رباب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۳۲ ق.
- الفرق بین الفرق و بیان فرقة الناجية منهم، عبدالقاهر فرزند طاهر فرزند محمد اسفراینی بغدادی (د: ۴۲۹ ق)، تصحیح محمد بدر، قاهره، ۱۹۱۰ م / ۱۳۲۸ ق؛ چاپ دیگر: تصحیح محمد الکوثری، قاهره، ۱۹۴۸ م؛ دارالآفاق بیروت، ۱۹۷۷ م؛ برگردان محمدجواد مشکور، ۱۳۳۰ خ؛ دارالجیل، بیروت، لبنان، ۱۹۸۷ م / ۱۴۰۸ ق.

فهرست ابن‌الندیم، ابوالفرج محمد فرزند اسحاق، ابن‌ندیم (۲۹۷ - ۳۸۵ق)، چاپخانه رحمانی مصر، چاپ ۱۳۴۸ق؛ دیگر: دارالمعرفة، بیروت؛ فهرست یا فوز العلوم، ابوالفرج محمد فرزند اسحاق، ابن‌ندیم (۲۹۷ - ۳۸۵ق) به کوشش برگردان رضا تجدد، تهران، ۱۳۴۶ خ؛ به کوشش مهین جهان‌بگلو، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ خ.

في تحقيق ماللهند من مقولة مقبولة في العقل او مزدولة ماللهند، تحقيق ماللهند، ابوريحان بيروني، محمد فرزند احمد (۳۶۳ - ۴۴۰ق)، چ هند، ۱۹۵۸؛ برگردان منوچهر صدوقی سها، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۱. قاطعة اللجاج في تحقيق حلّ الخراج، غلی فرزند حسین فرزند عبدالعالی کرکی، محقق الثانی، محقق کرکی (د: ۹۴۰ق)، چاپ در مجموعه‌ای از کتاب‌ها نام کلمات المحققین، ۱۳۱۵ق؛ دیگر: مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۳ق. قرآن، پیامبر اسلام (ص).

کنز الفوائد، ابوالفتح محمد فرزند علی فرزند عثمان کراچکی طرابلسی صوری (د: ۴۴۹ق)، انتشارات مصطفوی، قم ۱۴۱۰ق؛ دیگر: تصحیح عبدالله نعمه، دارالذخائر، قم، ۱۴۱۰ق.

مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۷۱، شماره ۶، بهار ۱۳۵۹، مارس ۱۳۷۹، جمادی یکم ۱۳۹۷، سال شانزدهم، برگه ۱۷ - ۱۹.۱۹، حق الله و حق الناس، علی نقی منزوی.

مقابسات، ابوحيان توحيدى، دانشگاه ادبیات بغداد، چاپخانه ارشاد ۱۹۷۰م.

مقالات الاسلاميين و اختلاف المصلين، مقالات اشعری؛ علی فرزند اسماعیل اشعری، تصحیح هلموت ریتز، دارالنشر فراز اشناینر، بیروت، لبنان.

نورمگز، noormags مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.